



برگزیده پوسترهای یان لنینتا

مجموعه‌ی خصوصی مرتضی ممیز و مجموعه پوستر کریشنف دیدو
نشر دیدو، ۱۳۸۱

یان لنینتا، این هنرمند صاحب‌نام لهستانی، را می‌توان مردی با توانایی‌های فوق‌العاده و با علایق هنری گوناگون دانست که در نسل امروز ما عملاً رسیدن به آن، امری بسیار دشوار است. موسیقی‌دان، نقاش، معمار، کارگردان و فیلمساز و در نهایت یک گرافیکست بسیار توانا. مدت‌ها در مرکز چاپ پوسترهای سینمایی لهستان CWF، به طراحی پوستر برای فیلم پرداخت و در همین ایام به عنوان طراح گرافیک در لهستان پرآوازه شد و همین امر به او این امکان را داد که بتواند در کنار هنریک توماشفسکی معلم و طراح بزرگ لهستان به عنوان همکار در مدرسه هنرهای زیبای ورشو مشغول به کار شود.

در سال ۱۹۵۶ غرفه کشور لهستان را در نمایشگاه‌های وین، از میر، لندن و پاریس طراحی کرد. سپس به سینمای انیمیشن روی آورد. فیلم‌هایی چون «خانه»، «Monsieur Tete» و «جانکوی موسیقی‌دان» از جمله آثار اوست. لنینتا در کنار فیلم‌سازی، همچنان به طراحی کتاب و پوستر مشغول بود و به همین دلیل برنده‌ی جایزه تولولوتترک در پاریس شد. در این زمان وی به عنوان یکی از طراحان مدرن پوسترهای مکتب لهستان شناخته می‌شد. لنینتا در پاریس به کمک آلن لوکرنک طراح فرانسوی، پوستر فیلم Cul desac رومن پولانسکی را طراحی کرد. در سال ۱۹۸۰ مرکز هنری ژرژ پمپیدو در پاریس نمایشگاهی از کارهای گرافیک و جشنواره‌ای از فیلم‌های کوتاه و بلند او برپا کرد.

کریشنف دیدو مدیر گالری پوستر در کراکوف می‌گوید: «وقتی کسی از من می‌پرسد کدام هنرمند پوسترساز لهستانی را بیشتر می‌پسندم در موقعیت بسیار سختی قرار می‌گیرم و همیشه از سه نفر نام می‌برم که از آثارشان لذت برده‌ام و پوسترهایشان را همیشه وقتی پسر بچه بدم در راه مدرسه می‌دیده‌ام.

یان لنینتا همیشه یکی از آن نام‌ها هست و خواهد بود.»

آلن لوکرنک طراح فرانسوی درباره او می‌گوید که در سال ۱۹۶۶ زمانی که مجله «لهستان» Pologne La را می‌دیدم پوستر «ووژک» او را دیدم که مدال طلای اولین پوستر در بینال ورشو را گرفته بود و سپس ادامه می‌دهد که این یکی از مهم‌ترین لحظات بود، و باعث شد چند سال بعد به لهستان رفته و برای درک این معجزه‌ی گرافیک که در لهستان اتفاق افتاده بود، بکوشم. این اثر مجموعه‌ای است نزدیک به ۴۰ پوستر از کارهای لنینتا. مرتضی ممیز درباره لنینتا می‌گوید: «وقتی در برلین با لنینتا تلفنی صحبت می‌کردم و او از پروژه‌ی نمایش پوسترهایش در تهران از من پرسید، به او گفتم که در موقعیتی مناسب ترتیبش را خواهم داد و او به تهران دعوت خواهد شد. در این فکر بودم که پوسترهایش را در یکی از بی‌ینال‌های گرافیک تهران مطرح کنم اما از بد روزگار پوسترهایش را پیدا نمی‌کردم. وقتی خبر مرگش را شنیدم، سخت متأسف شدم. اخیراً پوسترهایش را پیدا و توانستم در سالگرد مرگش این وظیفه خطیر را خیلی دیر انجام دهم، خیلی خیلی متأسفم و همیشه خودم را به او مدیون می‌دانم.»

از جمله پوسترهای او می‌توان به «ووژک ۱۹۶۴»، «بازی‌های المپیک مونیخ ۱۹۷۲»، «سیرک ۱۹۷۵»، «فاوست ۱۹۶۴»، «اتللو ۱۹۶۸»، «شاه‌لیر ۲۰۰۱»، «شطرنج و هنر ۱۹۹۱»، «شاهان یک روزه ۱۹۸۵»، «لهستان شما را دعوت می‌کند» و «پرسیفال ۱۹۹۲» اشاره کرد.